

حکامخانه	کدام
هفته‌نامه خبری-تبیینی	سال چهارم، شماره ۲۰۰ هفته‌سوم شهر یور ۹۸ نشریه جامعه‌موؤمن وانقلابی
www.khamehni.ir	www.khamehni.ir

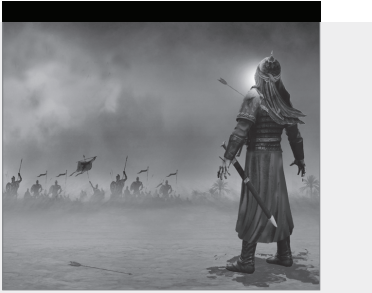


«گفتیم که پیغمبر می‌آید برای به تکامل رساندن انسان… پیغمبر برای ساختن انسان‌ها می‌آید… از چه راهی و از چه وسیله‌ای پیغمبر استفاده می‌کند برای ساختن انسان؟ چه جوری انسان‌ها را پیغمبر می‌سازد؟ مدرسه درست می‌کند؟ مکتب فلسفی درست می‌کند؟ پیغمبر صومعه و جایگاه عبادت درست می‌کند؟ گفتیم که نه؛ پیغمبر برای ساختن انسان، کارخانه‌ی انسان‌سازی درست می‌کند. پیغمبر ترجیح می‌دهد که ده سال، بیست سال، دیرتر موفق بشود؛ اما آنچه می‌سازد، یک انسان و دو انسان و بیست تا انسان نباشد؛ کارخانه‌ی انسان‌سازی درست کند که به‌طور خودکار انسانِ کامل پیغمبر پسند تحول بدهد.

پس پیغمبر برای ساختن انسان‌ها و به قیوام آوردن مایه‌ی انسان، کارخانه‌ی انسان‌سازی استفاده می‌کند. کارخانه‌ی انسان‌سازی چیست آقا؟ کارخانه‌ی انسان‌سازی، جامعه و نظام اسلامی است؛ اینجا آن نقطه‌ی انقباض و توسعه می‌گردد. حرف است. همه می‌گویند پیغمبر انسان می‌خواهد بسازد… آنچه که با دقت باید فهمید این است که پیغمبر یکی یکی گوش انسان‌ها را نمی‌گیرد به یک کنج خلوتی برود در گوش‌شان رزمه‌ی مهر خدا بنسوزد. پیغمبرها مکتب علمی و فلسفی تشکیل نمی‌دهند تا یک مشت شاگرد درست کنند، این شاگردها را بفرستند تا مردم را در افکار عالم هدایت کنند. پیغمبر کارش از این‌جا نیست و قائم‌تر، استوارتر و ریشه‌دارتر است، چه کار می‌کند؟ یک کارخانه‌ای که از آن کارخانه جز انسان بیرون نمی‌آید می‌سازد، و آن کارخانه، «جامعه‌ی اسلامی» است.» (طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن)

انقلابی به نام دین

۱۴ قرن بعد از آنکه کارخانه‌ی انسان‌سازی پیامبر در مدینه‌النبی آغاز به کار کرد، در گوشه‌های دیگر از جهان، در کشوری به



این شماره تقدیم می‌شود به ارواح طیبه‌شهادی کربلاخصوصاًحضرت قاسم‌بن الحسن (علیه‌السلام)

نشریه جامعه مؤمن‌وانقلابی (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌ا‌العظمی‌خامنه‌ای)	ارتباط با خط حزب...	صاحب امتیاز:نوسه‌پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی	ایستگاه پخش:۱۰۰۰۱۰۲۸	بلاگ:etlaa.com/khatthehezbollah	وب:Gap.ir/khatthehezbollah
مؤمن‌وانقلابی	خط حزب...	دفعه پخش:۰۲۱-۶۶۹۷۳۳۸	آدرس:ble.ir/khatthehezbollah	وب:۰۲۱-۶۶۹۷۳۳۸	آدرس:Sappir.khatthehezbollah

کلام **بیت** امام



از امام حسین (علیه‌السلام) بیاموزید

حلول ماه محرم، ماه حماسه و شجاعت و فداکاری آغاز شده؛ ماهی که خون بر شمشیر پیروز شد، ماهی که قدرت حق، باطل را تا ابد محکوم و داغ باطل بر جبهه‌ی مستمکان و حکومت‌های شیطانی

زد، ماهی که به نسل‌ها در طول تاریخ، راه پیروزی بر سر نیزه را آموخت، ماهی که شکست ابر قدرت‌ها را در مقابل کلمه‌ی حق به ثبت رساند، ماهی که امام مسلمین، راه مبارزه با مستمکان تاریخ را به ما آموخت، راهی که باید مشت گره کرده‌ی آزادی‌خواهان و استقلال‌طلبان و حقوقیان بر تانک‌ها و مسلسل‌ها و جنود ابلیس علیه کند و کلمه‌ی حق، باطل را محو نماید. امام مسلمین به ما آموخت که در حالی که ستمگر زمان بر مسلمین حکومت جائزانه می‌کند، در مقابل او اگر چه قوای شما ناهمگن باشد، بایدخیزید و استنکار کنید و اگر کیان اسلام را در خطر دیدید، فداکاری کنید و خون نثار نمایید. ۵۷/۹/۱۰

گزارش **بیت** هفته

۶ تصمیم خبرگان در ۱۴ خرداد ۶۸



۱. اولین تصمیم خبرگان، پذیرش استعفا‌ی آیت‌الله منتظری از قائم مقامی رهبری بود؛ پیرو نامه‌ی امام خمینی در ششم فروردین ۶۸، خطاب به آیت‌الله منتظری، وی از سمت قائم مقامی رهبری استعفا نموده بود. در اولین اقدام، این استعفا به رأی اعضای مجلس خبرگان گذاشته شد و با اکثریت قریب به اتفاق پذیرفته شد. تنها دو نفر موافق پذیرش استعفا نبودند.

۲. هنگام از تحال بنیانگذار انقلاب اسلامی، شورای بازنگری قانون اساسی در حال تغییر برخی از بندها و مفاد آن بود و هنوز قانون اساسی جدید به رأی مردم گذاشته نشده بود. موضوع دومی که در این جلسه مورد بحث قرار گرفت این بود که قانون اساسی فعلی ملاک عمل قرار گیرد یا قانون اساسی جدید؟ نهایتاً آنچه عملاً مورد توافق اعضا قرار گرفت، تعیین رهبر قانونی بر اساس قانون اساسی وقت تا زمان برگزاری رفراندوم، و پس از رفراندوم قانون اساسی، انطباق شرایط جدید رهبری با رهبر یا رهبران منتخب جلسه‌ی فعلی بود.

۳. در قانون اساسی مصوب سال ۵۸ شرط «مرجعیت» به‌عنوان یکی از شرایط و صفات رهبر نظام جمهوری اسلامی ذکر شده بود؛ این اصل در قانون اساسی جدید به «صلاحت افتاء در ابواب مختلف فقه» تغییر کرده بود. امام خمینی نیز در نامه‌ای به مجلس خبرگان در این‌باره فرموده بودند: «مجتهد عادل مورد تأیید خبرگان هست، سراسر کفایت نمی‌کند.» نهایتاً همین نظر امام ملاک انتخاب اعضای مجلس خبرگان رهبری قرار گرفت.

۴. در خلال مباحثی که اعضای مجلس خبرگان در موضوعات فوق مطرح کردند، افراد متعددی را نیز برای تصدی رهبری شورایی یا فردی پیشنهاد دادند. از این میان می‌توان به آقاییان گلیاگان‌ی، مشکینی، جواد‌ی آملی، شیخ جواد تبریزی، خامنه‌ای، موسوی اردبیلی، هاشمی رفسنجانی و حاج احمد خمینی اشاره کرد. اما به خاطر طولانی شدن جلسه، برخی اعضا پیشنهاد کفایت مذاکره در این بخش را دادند؛ در‌باره‌ی کفایت مذاکرات رأی گیری شد. حاضرین ۲۴ نفر اعلام شدند و با قیام اکثریت، کفایت مذاکرات رأی آورد. بنابراین برای هیچ یک از افراد پیشنهادی رأی‌گیری انجام نشد.

۵. موضوع بعدی‌ای که در دستور کار مجلس خبرگان قرار گرفت، تصمیم بین رهبری شورایی یا فردی بود. پس از استماع نظرات موافقان و مخالفان درباره رهبری شورایی و فردی مقرر شد تا برای این موضوع اعضا رأی خودشان را اعلام کنند که با قیام اکثریت اعضا، رهبری فردی رأی آورد.

۶. بلافاصله پس از رأی اکثریت خبرگان به رهبری فردی، چند تن از اعضا با صدای بلند گفتند، پیشنهاد ما آقای خامنه‌ای است؛ به این ترتیب اولین و تنها پیشنهادی که برای رهبری فردی در دستور کار مجلس خبرگان قرار گرفت، آیت‌الله خامنه‌ای بود. خود آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان تنها مخالف، پشت تریبون رفتند و گفتگوهایی بین ایشان و اعضای مجلس شکل گرفت و نهایتاً مجلس خبرگان با ۶۰ رأی از ۷۴ نفر حاضر، به رهبری آیت‌الله خامنه‌ای رأی دادند. پس از همه‌پرسی قانون اساسی در روز ۱۵ مرداد، مجلس خبرگام جلسه‌ی دیگری را تشکیل داد و اعضا، آن ضمن تأیید انطباق شرایط قانون اساسی جدید بر آیت‌الله خامنه‌ای، بار دیگر با اکثریت قاطع، به ایشان رأی دادند.

خاطرات **بیت** رهبری

اجازه ندادید نماز جماعت برپا کنید!

در همان نخستین روزهای زندان، ماه محرم سال ۱۳۸۷ قمری فرارسید. قاسمی با من برای برپایی شعارت اسلامی در زندان همکاری می‌کرد؛ زندانیان را به برپایی نماز جماعت ترغیب می‌کرد. من امام جماعت نظامیان زندانی بودم و پس از نماز برایشان سخنرانی و عظمی می‌کردم. قاسمی هم بعد از من، روضه می‌خواند. چند شبی وضع به همین منوال ادامه یافت. یک شب افسر مسئول زندان وارد شد و دید نظامیان زندانی پشت سر یک زندانی سیاسی نماز می‌خوانند! انتظار داشت وقتی وارد زندان می‌شود، سربازان به حال آماده‌باش بایستند و به او سلام نظامی بدهند؛ اما همه رویشان به سوی قبله بود و هیچکس به او اعتنایی نکرد! مشاهده‌ی این صحنه بر او گران آمد و خشمگین از زندان بیرون رفت. وقتی نماز تمام شد، یکی از مسئولان زندان زدنم آموخت. شما اجازه ندادید نماز جماعت برپا کنید و برای نظامی حاکم بر زندی این ممنوعیت به نفع من بود؛ بر اهدملی نظامیان با من بیشتر شد. به آنها گفتم: به جلست‌تان هر شب ادامه دهید و طی آن، صفحاتی از کتاب آنجا که حق پیروز است را بخوانید. این کتاب، حاوی تحلیلی از انقلاب امام حسین (علیه‌السلام) و شرح حال شهدای کربلاست. منبع: خون دلی که لعل شد

پنج درس از قیام عاشورا به روایت رهبر انقلاب

کار جامعه اسلامی تمام است اگر...

مبارزه و قیام علیه انحراف جامعه، واجب‌ترین کارهاست

اگر بخواهیم هدف امام حسین (علیه‌السلام) را بیان کنیم، باید این‌طور بگوییم که هدف آن بزرگوار عبارت بود از انجام دادن یک واجب عظیم از واجبات دین که آن واجب عظیم را هیچ کس قبل از امام حسین - حتی خود پیغمبر - انجام نداده بود... واجبی بود که در بنای کلی نظام فکری و ارزشی و علمی، امام‌جای مهمی دارد... امام حسین باید این واجب را عمل می‌کرد تا درسی برای همه‌ی تاریخ باشد... حالا چرا امام حسین این کار را یکند؟ چون زمینه‌ی انجام این واجب، در زمان امام حسین پیش آمد... این واجب عبارت بود از بازگرداندن جامعه‌ی اسلامی به خط صحیح چه زمانی؟ آن وقتی که راه عوضی شده است و جهالت و ظلم و استبداد و خیانت کثانی، مسلمین را منحرف کرده و زمینه و شرایط هم برای قیام آمده است... این مطلب، اساس معارف حسینی است. معارف حسینی، بخش عظیمی از تاریخ اسلام است. این پایه‌های است و خود یکی از پایه‌های اسلام است. ۷۴/۳/۱۹

همیشه باید وظیفه اصلی را تشخیص بدهیم

یکی از این درس‌ها این نکته‌ی مهم است که حسین بن علی علیه‌السلام و انقلاب اسلامی، در یک فصل بسیار حشاش تاریخ اسلام، وظیفه‌ی اصلی را از آمیان وظایف گوناگون و دارای مراتب مختلف اهمیت، تشخیص داد و این وظیفه را به انجام رساند. او در شناخت چیزی که آن روز دنیا ی اسلام به آن احتیاج داشت، دچار توهم و اشتباه نشد. در حالی که، این یکی از نقاط آسیب‌پذیر در زندگی مسلمین در دوران‌های مختلف است. ۷۱/۵/۷

۳. انجام تکلیف اصل نه نتیجه

بعضی خیال کردند امام حسین (علیه‌السلام) اگر می‌دانست شهید می‌شود، اقدام نمی‌کرد؛ بعضی هم از آن طرف گفتند امام حسین (علیه‌السلام) اصلاً برای اینکه شهید بشود، قیام کرد. هر دو اشتباه است. امام حسین (علیه‌السلام) برای تعلیم درسی به انسان‌ها قیام کرد و آن درس این بود که هر وقت انسان مسلمان، دید در جامعه‌ی او ظلم هست، نظام اسلامی نیست، قرآن حکومت نمی‌کند، تبعیض هست، زورگویی و چاولگری هست، قدرت یافتن بدون ملاک هست؛ بایستی قیام بکند برای اینکه وضع این‌ها درست شود. اما به برگرداندند؛ چه این قیام او به نتیجه برسد و چه نرسد. بارها امام گفتند ما برای نتیجه اقدام نمی‌کنیم، ما برای وظیفه اقدام می‌کنیم. ما اقدام می‌کنیم

انجام داده باشیم. البته خدا متعال اگر عمل ما از روی اخلاص باشد، ما را به نتیجه هم خواهد رساند. این روح کار امام حسین بود. ۶۴/۷/۲۰

حزب الله **بیت** این است

عامل پیروزی «حضرت زینب» بود والا خون در کربلا تمام شد

زینب کبری یک نمونه‌ی برجسته‌ی تاریخ است که عظمت حضور یک زن را در یکی از مهم‌ترین مسائل تاریخ‌نشان می‌دهد. اینکه گفته می‌شود در حادثه‌ی کربلا، خون بر شمشیر پیروز شد - که واقعاً پیروز شد - عامل این پیروزی، حضرت زینب بود، والا خون در کربلا رفتند و گفتگو‌هایی بین ایشان و اعضای مجلس شکل گرفت و نهایتاً مجلس تمام شد. حادثه‌ی نظامی با شکست ظاهری نیروهای حق در عرصه‌ی عاشورا به پایان رسید؛ اما آن چیزی که موجب شد این شکست نظامی ظاهری را تبدیل به یک پیروزی قطعی دائمی شود، عبارت بود از منش زینب کبری؛ نقشی که حضرت زینب بر عهده گرفت؛ این خیلی چیز مهمی است. ۸۹/۲/۱۰

روایت **بیت** تاریخی

فکر کن اگر نمی رفتیم چه می شد!

بعد از آن که امام سجاد (علیه‌السلام) پس از حادثه‌ی عاشورا به مدینه برگشت - شاید از آن وقتی که این کاروان از مدینه بیرون رفت و دوباره برگشت ده، یازده ماه فاصله شده بود - یک نفر خدمت ایشان آمد و عرض کرد: پاین رسول الله! دیدید رفتید چه شد! راست هم می‌گفت؛ این کاروان در حالی رفته بود که حسین بن علی (علیه‌السلام) خورشید در خشان اهل بیت، فرزند پیغمبر و عزیز دل رسول الله، در رأس و میان آنها بود؛ دختر امیرالمؤمنین با عزت و سرافرازی رفته بود؛ فرزندان امیرالمؤمنین - عباس و دیگران - فرزندان امام حسین، فرزندان امام حسن، جوانان برجسته و زنده و نامدار با منی‌شان، همه با این کاروان رفته بودند؛ حالا این کاروان برگشته فقط یک مرد - امام-مسجد (علیه‌السلام) - در این کاروان هست؛ زنها اسارت کشیده، رنج و داغ دیده‌اند؛ امام حسین نبود، علی‌اکبر نبود، حتی کودک شیرخوار در کتف‌ها نبود؛ امام سجاد (علیه‌السلام) در جواب آن شخص فرمود: فکر کن اگر نمی‌رفتیم، چه می‌شد! بله، اگر نمی‌رفتند، جسم‌ها زنده می‌ماند، اما حقیقت نبود می‌شد؛ روح ذوب می‌شد؛ وجدان‌ها یامیال می‌شد؛ خرد و منطق در طول تاریخ محکوم می‌شد و حتی نام اسلام هم نمی‌ماند. ۸۰/۱۲/۲۷

تکلیف را باید به‌موقع و در لحظه مناسب انجام داد

امام حسین (علیه‌السلام) در فهم «موقع» اشتباه نکرد. در قبل از حادثه کربلا، دهسال امامت و مسؤولیت با او بود. آن حضرت در مدینه مشغول کارهای دیگری بود و کار کربلایی‌نی کرده؛ اما به مجزأ دین که فرصت به او اجازه داد که آن کار مهم را انجام دهد، فرصت را شناخت و آن را چسبید؛ موقع را شناخت و آن را از دست نداد. ۷۷/۹/۲
مشکل برخی از افراد و مجموعه‌ها این است: بی‌ایمان نیستند، بی‌شوق و بی‌محبت هم نیستند؛ اما لحظه‌شناس نیستند. ۸۸/۱۰/۲۹

کار جامعه اسلامی تمام است اگر...

در هر جامعه و شهر و کشوری، از یک دیدگاه، مردم به دو قسم تقسیم می‌شوند: یک قسم کسانی هستند که بر مبنای فکر خود، از روی فهمیدگی و آگاهی و تصمیم‌گیری کار می‌کنند، راهی را می‌شناسند و در آن راه - که به خوب و بدش کار نداریم - قدم برمی‌دارند. یک قسم اینها نیست که اسم‌شان را «خواص» می‌گذاریم. قسم دیگر، کسانی هستند که نمی‌خواهند بدانند چه راهی درست و چه حرکتی صحیح است. در واقع نمی‌خواهند بفهمند، پسندند، به تحلیل بپردازند و درک کنند. به تعبیری دیگر، تابع شوند. اسم این قسم از مردم را «عوام» می‌گذاریم... خواص، طبعاً دو جبهه‌اند: خواص جبهه‌ی حق و خواص جبهه‌ی باطل. عده‌ای اهل فکر و فرهنگ و معرفتند و برای جبهه‌ی حق کار می‌کنند، فهمیده‌اند حق با کدام جبهه است... یک دسته هم نقطه‌ی مقابل حق و ضد هستند... اگر در جامعه‌ای، آن نوع خوب خواصی که طرفدار حق یعنی کسانی که

می‌توانند در صورت لزوم از متاع دنیوی دست بردارند، در اکثریت باشند، هیچ وقت جامعه‌ی اسلامی به سر نو شت جامعه‌ی دوران امام حسین علیه السلام مبتلا نخواهد شد و مطمئناً تا ابد بیمه‌اش با ما اگر قضیه به عکس شد و نوع دیگر خواص طرفدار حق - دل سپردگان به متاع دنیا، آنان که حق شناسند، ولی درین حال مقابل متاع دنیا، پایشان در عین لرزد - در اکثریت بودند، وامضی‌ناست! ۷۵/۲/۲۰

حزب الله **بیت** این است

جوان مسئولیت شناس کربلا

تا وقتی اصحاب بودند، می‌گفتند جانمان را قربان شما می‌کنیم و اجازه نمی‌دادند کسی از بنی‌هاشم - فرزندان امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام - به میدان جنگ بروند. می‌گفتند اول ما می‌رویم و کشته می‌شویم، اگر بعد از کشته شدن ما خواستند، آن وقت به میدان بروید. وقتی که نوبت به جانبازی و شهادت بنی‌هاشم رسید، اول کسی که در خواست اجازه برای میدان می‌کند، همین جوان مسئولیت‌شناس است؛ او علی‌اکبر، پسرا اول و پسر امام و از همه به امام نزدیکتر است، پس برای فدائیت از همه شایسته‌تر است. این هم یک مظهر امامت اسلامی است؛ این جای نیکویی است که دنیا، مآنف مآذی، سود اقتصادی و شهادت و عظمت از خون‌های کشته؛ این‌جا مجاهدت و سختی است؛ اول کسی که داوطلب می‌شود علی‌بن‌الحسین، علی‌اکبر است. ۸۱/۱/۹



حضور آیت الله خامنه‌ای در مراسم عزاداری رزمندگان اسلام در سال ۱۳۶۷

درس **بیت** اخلاق

همه یاران حسینی، صا حیان بصیرت بودند؛ اما او بصیرت را بیشتر نشان داد

در زیارت و کلماتی که از ائمه (علیهم‌السلام) راجع به ابوالفضل العباس رسیده است، روی دو جمله تأکید شده است: یکی بصیرت، یکی وفا. بصیرت ابوالفضل العباس کجاست؟ همه‌ی یاران حسینی، صاحبان بصیرت بودند؛ اما او بصیرت را بیشتر نشان داد. در روز تاسوعا... وقتی که فرصتی پیدا شد که او خود را از این بلا نجات دهد؛ یعنی آمدند به او پیشنهاد تسلیم و امان‌نامه کردند و گفتند ما تو را امان می‌دهیم؛ چنان برخورد جویمز دانه‌ای کرد که دشمن را پشیمان نمود. گفت: من از حسین جدا شوم؟! وای بر شما! اف بر شما و امان‌نامه‌ی شما! نمونه‌ی دیگر بصیرت او این بود که به سه نفر از برادرانش هم که با او بودند، دستور داد که قبل از او به میدان بروند و مجاهدت کنند؛ تا این که به شهادت رسیدند. می‌دانید که آنها چهار برادر از یک مادر بودند: ابوالفضل العباس - برادر بزرگ‌تر - جعفر، عبدالله و عثمان. انسان برادرانش را در مقابل چشم خود برای حسین بن علی قربانی کند؛ به فکر مادر داغدارش هم نباشد که بگوید یکی از برادران برود تا این که مادر داخوش باشد؛ به فکر سرپرستی فرزندان ضعیف خود هم نباشد که در مدینه هستند؛ این همان بصیرت است. وفاداری حضرت ابوالفضل العباس هم از همه جا بیشتر در همین قضیه‌ی وارد شدن در شرعیه فرات و نوشیدن آب است. ۷۹/۱/۲۶

احکام **بیت** شرعی

احکام عزاداری

س: نظر شرف حضرت تعالی نسبت به ادامه‌ی حرکت دسته‌های عزاداری در شب‌های محرم تا نصف شب همراه با استفاده از طبل و نی چیست؟

ج: به راه انداختن دسته‌های عزاداری برای سیدالشهدا و اصحاب او(علیهم‌السلام) و شرکت در امتثال این مراسم امر بسیار پسندیده و مطوبی است و از بزرگ‌ترین اعمالی است که انسان را به خداوند نزدیک می‌کند، ولی باید از هر عملی که باعث آذیت دیگران می‌شود و یا یاف نفقه از نظر شرعی حرام است، پرهیز کرد.

س: استفاده از طبل و سسج و ششیپور و همچنین زنجیرهایی که دارای تیغ هستند در مجالس و دسته‌های عزاداری چه حکمی دارد؟

ج: اگر استفاده از زنجیرهای مزبور موجب وهن مذهب در برابر مردم شود و یا باعث ضرر بدنی قابل توجهی گردد، جایز نیست ولی استفاده از شیپور و طبل و سنج به نحو متعارف اشکال ندارد. ●

هیئت **بیت** تراز

مطایبه رهبر انقلاب از مداحان و هیئت های مذهبی:

روی مسئله خانواده تکیه کنید

در این برهه‌ی از زمان روی مسئله‌ی خانواده تکیه کنید. دشمن - نه دشمن ایران یا دشمن انقلاب، دشمن بشریت- تصمیم گرفته که نظام خانواده را در بین بشر از بین ببرد. خانواده ست‌الهی است. دشمن بشریت یعنی جریان سرمایه‌داری بین‌المللی و صهیونیسم تقریباً از حدود صد سال پیش تصمیم گرفتند که خانواده را در بین بشر از بین ببرند؛ و یک جاهایی موفق شدند در آن جاهایی که از خدا دور بودند موفق شدند، در یک جاهایی هم از جمله در ایران اسلامی ما موفق نشدند! اما دارند تلاش می‌کنند. این ازدواج‌های سخت، این ازدواج‌های دیر، این فرزندآوری که این‌ها به تعبیر غلط زشت‌شان «ازدواج‌های سفید» - که سیاه‌ترین نوع زندگی مزدوج است - همه‌ی اینها به خاطر این است که خانواده از بین بی‌رود. ۹۷/۱۲/۷

انسان **بیت** ۲۵۰ ساله

عظمت خون‌بهای امام حسین (علیه‌السلام)

نسبت به حضرت اباعبدالله الحسین(علیه‌السلام)شهادۀ تعبیر «ثارالله» به کار رفته است، یعنی کسی که خون‌بهای او خدا است - معنای ثارالله این است: عظمت خون‌بهای او به‌قدری است که جز خود خدای متعال هیچ چیز نمی‌تواند خون‌بهای این عزیزان باشد - عین همین تعبیر درباره‌ی امیرالمؤمنین است، چون شما می‌گویید: یا ثارالله و ابن ثار... «و ابن ثار» یعنی امیرالمؤمنین هم در همین حد است؛ عظمت از خون‌های کشته؛ عظمت این شهید بزرگوار، شهید در محراب، شهید در راه حق، شهید قاطعیت، شهید استقامت، از این تعبیرات کاملاً آشکار است. ۹۵/۴/۵